

متن پرسش

سلام علیکم استاد طاهرزاده ی بزرگوار: استاد عزیز! مسجدی که نماز می خوانیم توی یک روستاست. چند تا دختر نوجوان (حدود دوازده سیزده ساله) برای اقامه ی نماز به مسجد می آیند و نماز باقی خانم ها را دچار مشکل کرده اند؛ به خاطر آزار و اذیت و همین طور رعایت نکردن احکام شرعی. فی المثل: نپوشاندن گردن موقع نماز و همین طور اذیت کردن همدیگر در اثنای نماز و حتی گاهی حرف زدن در نماز. (و این کارها را عمدا انجام می دهند نه از روی ندانستن حکم شرعی، چرا که این روستا از خیلی وقت پیش روحانی می آمده و این طور نیست که نسبت به دین بیگانه باشند و طرفه آن که حتی وقتی حکم شرعی را هم بهشان متذکر می شوند اینان اعراض می کنند و محل نمی گذارند و با گستاخی و تهدید کنان جواب می دهند که: دیگر مسجد نمی آیند و خب البته می آیند) وقت نماز در صف اول می ایستند بدون این که بگذارند کسی حدفاصل اتصال مردها و زن ها بایستند. و نمازهای یک عده را دچار مشکل می کنند. بسیار سر و صدا و آزار و اذیت می کنند به طوری که چندین نفر از خانم های مسن از مسجد فراری شده اند و گفته اند که تا این دخترها با سرو صدایشان و حتی گستاخی و بی ادبی و زبان درازی که در برابر بزرگ ترها نشان می دهند توی مسجد حضور دارند آن ها به مسجد نخواهند آمد. و روز به روز از همین تعداد اندک مسجدی ها کم تر می شود. نه با اخلاق و محبت و صحبت کردن به راه می آیند و نه با درشتی کردن. در مقابل همه چیز مقاومت می کنند. حتی با یک نوع گستاخی که معلول نوجوانی و خیلی چیزهای دیگر است جلو خانم هایی که سنی ازشان گذشته می ایستند و درشتی می کنند. فقط یک مورد آن که همین دیشب بود که این دختر خانم ها وقتی همه مشغول نماز بودند پسر بچه ی حدود سه ساله ی یکی از نمازگزاران را به یک دست شویی بردند و حبس کردند و برق را هم خاموش کردند طوری که بچه ی بیچاره از شدت داد و فریاد و گریه بی حال شده بود که مادر بی چاره اش به شدت اظهار ناراحتی می کرد. شیطنت هایشان واقعا غیر قابل تحمل است. دو تای از این دخترها چون که پدرشان مرده است و یتیم هستند خیلی لی لی به لالاشان گذاشته می شود. در حال حاضر چند بار هم قول داده اند که اذیت و آزار نکنند. چندین بار هم کسانی ضمانت کرده اند که دیگر کارهایشان را تکرار نکنند. هیچ کدام فایده نداشته است. کفش خانم هایی که به مسجد می آیند را روی پشت بام پرتاب می کنند و بعد هم انکار می کنند و کارهای دیگر، اگر کسی متعرض کارشان بشود به مادرشان اطلاع می دهند و مادرشان هم با الفاظ زشت و داد و بی داد، طرف را ساکت می کند. می خواستم بپرسم: ایرادی دارد موقتا حدود سه چهار هفته از آمدنشان به مسجد ممانعت کنیم تا بلکه رفتارشان را تغییر بدهند و اگر اصلاح شدند

بگذاریم بیابند؟ آیا از نظر شرعی ایرادی ندارد؟ از نظر اخلاقی چه طور؟ اگر شما نظر دیگری دارید
بفرمایید واقعا ما درباره این ها به بن بست رسیده ایم و تنها کاری که به ذهنمان رسیده این است که
رئیس هیئت امنای مسجد را بگوییم جلو در ورودی به مسجد از سمت خانم ها بایستد و مانع از ورود
این سه چهار نفر بشود. (البته هنوز این کار نشده است.) واقعا ایذاء و اذیت مومنین می کنند. والبته
یقینا وقتی نگذاریم به مسجد بیابند به وسیله ی مادرشان که از قضا زن بسیار بددهنی است ما را
مورد ملامت قرار خواهند داد. (البته ما می توانیم تحمل کنیم.) اما هر چه فکر می کنیم هیچ راه حل
دیگری به ذهنمان نمی رسد. ببخشید که این اندازه نوشتیم. شاید یک بند از این حرف ها کافی باشد.
ولی حقیر آن قدر امروز ذهنم به خاطر همین مسئله پراکنده شده است که تا الان که حدود ساعت دو
نیمه شب است خواب نرفته ام، مجبور شدم به شما پناه بیاورم. ببینید شما را به خدا ذهن حقیرانه ی
من مشغول چه چیزهایی است؟! شرمنده ام. باز هم حقیر را ببخشید و حلال بفرمایید. ممنونم. یا علی.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در روایت از رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» داریم: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ
صِبْيَانَكُمْ وَمَجَانِبَكُمْ» کودکان و دیوانگان را از مساجد دور کنید. حتی در شرح حال بعضی از علمای
بزرگ داریم که قبل از اقامه ی نماز در درب مسجد می ایستادند و مانع ورود کودکان می شدند. زیرا
دیوانگان و کودکان، فضای قدسی مسجد را از بین می بردند و این حکم، برای هرکس که رعایت فضای
مسجد را نکند، جاری است. به همین جهت خوب است که هیئت امنای محترم که وظیفه دارند در
حفظ فضای قدسی مسجد همت نمایند، قدم در پیش بگذارند و مانع حضور چنین افرادی شوند.
موفق باشید